

جریان شناسی موسیقی مردم پسند ایران

سعید کریمی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی



مرکز موسیقی پژوهی شیراز



سرشناسه / کریمی، سعید، ۱۳۵۷-

عنوان / جریان شناسی موسیقی مردم‌پسند ایران

مشخصات نشر / تهران: ماهریس، ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری / ۵۸۴ ص.

شابک / ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۳۴-۶۷-۱

وضعیت فهرست‌نویسی / فیپا

یادداشت / نمایه

موضوع / موسیقی همه‌پسند -- ایران -- تاریخ و نقد

موضوع / Popular music -- Iran -- History and criticism

رده‌بندی کنگره / ۳۴۷۰ML

رده‌بندی دیویی / ۶۳/۷۸۱

شماره کتابشناسی ملی / ۷۳۸۲۵۷۷



فهرست

۱۰	پیش‌گفتار
۲۱	تصنیف‌های فاجاری
		جایگاه تصنیف (۲۵) ضبط صفحه (۲۸) تصنیف‌های خیابانی (۳۷)
		تصنیف‌های مشروطه (۴۰) دوران گذار (۴۵)
۵۵	تخت حوضی
		آغاز (۵۸) پیش‌برده خوانی (۶۶)
۷۷	آهنگ فارسی
۹۱	کوچه‌بازاری
		آغاز (۹۵) مضامین اجتماعی (۹۸) اپیدمی لاله‌زار (۱۱۲)
۱۲۵	جاز
		آغاز (۱۲۸) ترانه‌های فکاهی (۱۳۲) فولکلورسازی (۱۳۳)
۱۳۹	گلها
		تاریخچه (۱۴۴) اهمیت گلها (۱۴۸) افول (۱۵۳) بررسی آماری (۱۵۹)
۱۷۹	پاپ ایرانی
		عامه‌پسندی در موسیقی ایرانی (۱۸۲) آغاز (۱۸۴) پاپ ایرانی در لس‌آنجلس (۱۹۳)
		پاپ ایرانی در داخل کشور (۱۹۶) صادق نوجوکی (۱۹۹)
۲۰۱	بیت‌بندها
		آغاز (۲۰۵) ویژگی‌ها (۲۰۸) معرفی بیت‌بندها (۲۱۳)
۲۲۹	راک فارسی
		آغاز دوباره (۲۳۴) معرفی چهره‌های مشهور راک فارسی (۲۳۵)
۲۴۱	پاپ نوین
		آغاز (۲۴۴) ترانه‌ی نوین (۲۴۶) بُت‌واره‌گی (۲۴۹) موسیقی اعتراضی (۲۵۲)
۲۶۱	ترانه‌های انقلابی
		سرودها (۲۶۵) ترانه‌های پاپ (۲۷۵) آثار چاووش (۲۹۱) کوچه‌بازاری (۲۹۹)

۳۱۱	حفظ و اشاعه
	جشن‌های فرهنگ و هنر (۳۱۶) اصیل بودن یا نبودن؟ (۳۲۳) آغاز (۳۳۵)
	شجریان‌گرایی (۳۴۳) سود و زیان‌ها (۳۴۵) تأیید اصالت (۳۴۷) افول (۳۴۹)
۳۵۵	لس آنجلسی
	آغاز (۳۶۰) شرکت‌ها (۳۶۲) موسیقی بزمی (۳۶۵) پدیده‌ی آلبوم (۳۶۶)
	گونه‌های دیگر (۳۷۰) افول (۳۷۲)
۳۸۱	پاپ گل و بلبل
۳۹۳	رپ فارسی
	آغاز (۳۹۷) کلام در رپ (۴۰۱)
۴۰۷	نسل نو
	آغاز (۴۱۰) موسیقی زیرزمینی (۴۱۲) پاپ‌نوحه (۴۱۳)
۴۱۹	جریان‌های دیگر
	موسیقی محلی (۴۲۱) غزل‌خوانی (۴۲۳) اپرت (۴۳۰) سمفونیک ایرانی (۴۳۲)
	پاپ‌بندری (۴۳۵) ارکستر ملی (۴۳۶) شعرخوانی (۴۳۶) موسیقی عرفانی (۴۴۰)
	سرودهای جنگ (۴۴۳) پاپ بازگشت (۴۴۴) جریان آئرناتیو (۴۴۸)
۴۵۵	نوگرایی در موسیقی ایرانی
	دیلمان، آزمونی برای نوجویی (۴۵۸) نتایج بررسی (۴۷۳)
۴۷۹	صنعت فرهنگ
۴۹۳	مؤلفه‌های سبک‌شناسی
	سازبندی (۴۹۵) منابع موسیقایی (۴۹۷) رویکرد به شعر (۴۹۸) زبان (۵۰۰)
	محتوا (۵۰۱) موتیف‌های معنایی (۵۰۳) چرخه‌ی پخش (۵۰۶) ممیزی (۵۰۷)
	نقش بانوان (۵۰۸) بازخوانی (۵۱۴) آواز (۵۱۵) مؤلف‌بودن (۵۱۷)
	موسیقی بی‌کلام (۵۱۸) فعالیت گروهی (۵۲۰) مسائل فرهنگی (۵۲۱)
۵۲۳	روایت تصویری
۵۴۵	شرح عکس‌ها
۵۵۹	نام‌نامه

«اگر نگاه نقادانه نداشته باشیم، همیشه آنچه می‌خواهیم را می‌یابیم، به جست‌وجوی تصدیق و تأییدش می‌پردازیم و نگاه‌مان را از آنچه ممکن است برای نظریات محبوب‌مان خطرناک باشد، برمی‌گردانیم و آن را نمی‌بینیم.»

کارل پوپر

پیش‌گفتار

مفهوم سبک در ادبیات ایران پیشینه دارد و از دوره‌ی صفویه بسیار به آن پرداخته شده است. اما در موسیقی ایران به دلایل تاریخی و فرهنگی، سبک‌شناسی موضوعی بکر است. در دوران معاصر به مفهوم «مکتب» در موسیقی ایرانی پرداخته شده که در نوع خود غنیمت است ولی این مفهوم نیز همیشه با مجادله همراه بوده و چنان با ردیف آمیخته شده که چنین معیاری برای سبک‌شناسی گونه‌های دیگر موسیقی، کارآیی ندارد.

مفهوم سبک (Style) در روند موسیقی مردم‌پسند غربی مشخص است و عناوینی چون: جز، بلوز، راک، آر اند بی، هیپ هاپ و ... ویژگی‌های مشخص موسیقایی خود را دارند و هر کدام به مرور و با توجه به اقتضائات فرهنگی و فن‌آوری زیرشاخه‌های فراوانی پیدا کرده‌اند.

پیش‌گفتار | ۱۱

سبک در موسیقی به معنای چیزی که غربی‌ها تعریف می‌کنند حداقل در نوع مردم‌پسند و باکلامش، در موسیقی معاصر ایرانی پدید نیامده و همه‌ی سبک‌ها و گونه‌ها وارداتی بوده است. تنها جریانی که شکل و شمایل سبک‌گونه یافته و پیشینه‌ی غیرغربی دارد، موسیقی کوچه‌بازاری است که در حقیقت گرایش به نوعی از موسیقی سبک ایرانی است که با لحن عربی آمیخته و از نظر ماهیت همانند جریان تصنیف‌سازی معمول ایرانی است.

عموماً عوام از هر چیزی خوش‌شان بیاید آن را متمایز فرض می‌کنند و سبک می‌نامند و البته بر ایشان خرده‌ای نیست. ولی این که بارها دیده و شنیده و خوانده‌ایم موسیقی‌دان‌ها و خوانندگان حرفه‌ای هم این قدر ناآگاهانه این کلمه را به کار ببرند جای شگفتی و تأسف دارد. این که یکی از همین صفت بگوید: «فلانی کارهاش سبک داریوش بود!» یا «فلانی سبک معین می‌خونه!» یا حتی خواننده‌ای به راحتی خود را صاحب سبک بداند و بگوید: «من سبک خودم و ساختم و خیلی‌ها ازش تقلید کردند!» از عجایب معمول در این دیار است!

در خوش‌بینانه‌ترین حالت می‌توان از این جملات چنین تعبیر کرد که منظور از سبک، سیاق و روش و گرایش و سلیقه و لحن بوده است و گرنه من در میان خواننده‌ها و آهنگ‌سازان ایرانی کسی را نمی‌شناسم که سبک خاصی ابداع کرده باشد، چه در گونه‌های هنری و چه تجاری و بازاری.

اگر بخواهیم بی‌تعارف به موضوع نگاه کنیم و دچار غرور و جو کلیشه‌ای «آی! همه چیز نزد ماست و هر چه در دنیا به وجود می‌آید، ما قبلاً داشتیم و از رو دست ما کپی کرده‌ند!» و «نچسید، نگوزید! احمدک خیار کاشته!» تشویم و واقع‌بینانه به موضوع نگاه کنیم، متوجه می‌شویم آن تقسیم‌بندی دستگاه ناصری که موزیکانچی‌ها (موسیقی‌دان‌ها) را به دو دسته‌ی عملی‌طرب خاص و عملی‌طرب عام تقسیم کرده بود، نه تنها در دوره‌های بعد

که هنوز هم در این مرز و بوم، کم و بیش درست و جاری و ساری! است.^۱ واقعیت این است که در همه‌ی جریان‌ها و دوره‌ها، کارورزان این صنعت منطقاً به دنبال جلب توجه مخاطب و کسب محبوبیت و البته درآمد بوده‌اند. حال یا در سوی رسمی و شیک و به اصطلاح فاخر این صنعت فعالیت داشته‌اند یا در سوی مطربی و خالتور و پادویی‌طور این صنعت یا هر دو! از قضا در دوره‌های مختلف محبوبیت و درآمد و تأثیرگذاری هر کدام از این دو سو، افزایش و کاهش یافته و دقیقاً نمی‌توان گفت در کدام سو باشید، بیش‌تر محبوب می‌شوید یا ثروتمندتر می‌شوید.

مایه‌ی شگفتی آن است که در بیش‌تر مواقع، کارورزان این صنعت، استقبال عمومی از آثار خود را تنها به توانایی‌های هنری خود ربط می‌دهند و این تأیید عمومی را نشانه‌ی توفیق هنری خود و نه لزوماً تجاری، می‌دانند. این دسته! هرگز به ویژگی‌های مردم‌پسندانه در آثارشان اشاره نمی‌کنند که قاعدتاً نقش مهمی در اقبال عمومی داشته است و نقش بسیار مهم‌تر را عموماً توانایی‌های هنری نه! که بخت و اقبال برعهده داشته و دارد و خواهد داشت. حال وقتی این اقبال عمومی متوجه آثاری می‌شود که از منظر سبک‌شناسی و یا اساساً به لحاظ سلیقه با آن‌ها متفاوت است، زبان به ناسزای سلیقه‌ی عمومی می‌گشایند و این تأیید عمومی را حالا که دیگر به نفع‌شان نیست، بی‌ارزش و لغو برمی‌شمارند. این تناقض یکی از تکراری‌ترین اتفاقات تمام دوره‌های موسیقی ایرانی است و البته چیز عجیبی نیست. در این فرهنگ قاعده بر این است که: «دیگی که واسه من نمی‌جوشه، سر سگ توش بجوشه.»

۱. در دربار ناصرالدین شاه به موسیقی‌دانان برجسته و رسمی عملی‌ی‌طرب خاصه گفته می‌شد: کسانی چون: آقاعلی‌اکبرخان فراهانی، صادق‌خان سرورالملک. در کنار این افراد عملی‌های‌طرب دیگری هم مانند: دسته‌ی کریم کور، مومن کور و گلین رشتی وجود داشته‌اند که قاعدتاً عام بوده‌اند.

بی‌شک هر استقبال و محبوبیت عمومی در هر جامعه‌ای و در هر زمینه‌ای متوجه آثار و پدیده‌ها و رویدادهایی می‌شود که ویژگی‌های عوام‌پسندانه‌ی آشکار و نهانی در خود داشته باشند.

در جست‌وجوهای فراوانی که در منابع ایرانی داشته‌ام به موضوع سبک‌شناسی و حتا تعریف دقیق موسیقی پاپ برنخوردم و تنها در مقالاتی معدود و پراکنده به بعضی از این جریان‌ها اشاره شده است. در این مرز و بوم عموماً عادت بر این است که هر آن چه در موسیقی ایرانی است را پاپ یا سنتی (یا اصیل!) بنامند. حتا این تقسیم‌بندی عمومی هم درست نیست. چرا که طبق این منطق! هر آن چه با گیتار یا سازهای غربی بوده را پاپ (یا جاز در دهه‌های بیست تا پنجاه) نامیده‌اند و بقیه را سنتی. حال آن که اطلاق ویژگی پاپ هیچ ربطی به سازبندی ندارد. «سنت» هر قاعده و هنجاری است که از فرط تکرار در فرهنگ جامعه به عادت بدل شده است. از این رو موسیقی کوچه‌بازاری امروزه جزء سنت موسیقی ایرانی به شمار می‌آید.

تنها کتاب مستند و معتبر فارسی که در این زمینه یافته‌ام و راه‌گشاست، کتاب «پیدایش موسیقی مردم‌پسند در ایران» نوشته‌ی ساسان فاطمی است. این کتاب با توجه به پژوهش‌های جهانی و تأملات و تجربیات نگارنده سعی داشته تا به تعریف مشخص و جامعی از موسیقی پاپ مردم‌پسند برسد که در این راه موفق بوده است. ولی در هر صورت دغدغه‌ی مؤلف، سبک‌شناسی و جریان‌شناسی موسیقی مردم‌پسند در ایران نبوده است.

در این کتاب به طور مفصل به نظریات مختلف در این زمینه پرداخته شده که از تکرار آن‌ها می‌پرهیزم و تنها چند مورد که در این کتاب و دیدگاهم مؤثر بوده است را می‌آورم.

یکی از قدیمی‌ترین تعریف‌های موسیقی مردم‌پسند از عبدالقادر مراغی است، او سه گونه تصنیف را دسته‌بندی می‌کند: نقش، صوت و هوایی. نقش و

صوت ساختاری شبیه هم دارند، اما هوایی را گونه‌ای سُبک از تصنیف می‌داند: «اما هوایی، آن چنان باشد که نقشی یا صوتی که در میان مردم هر مدتی پیدا می‌شود و آن را «مردم‌زاد» می‌خوانند و آن را هر کسی چنانک خواهد در بدیهه بتراشد. گاه باشد که قید کنند یا نکنند. و آن اخفاً اصناف تصنیف باشد.»^۱

تعبیر مردم‌زاد بسیار تعبیر درستی است و با این که در مورد همه‌ی جریان‌ها صدق نمی‌کند ولی کاملاً با موسیقی تخت‌حوضی مطابقت دارد و تا حدود زیادی با موسیقی کوچه‌بازاری و آهنگ‌فارسی. و اما تعریف‌های غربی از موسیقی پاپ:

«موسیقی‌ای که بیش‌ترین ارزش را از نظر بیش‌ترین تعداد افراد دارد، موسیقی پاپولر است.»^۲

تعریفی که با فرهنگ لاروس از واژه‌ی Populaire نیز تطبیق می‌کند: «چیزی که بیش‌ترین تعداد افراد، آن را می‌شناسند و دوست دارند.» و تعریف مفصل‌تری که جان بلکینگ در این زمینه ارائه داده:

«اگر مردم موسیقی را ارزش‌گذاری می‌کنند برای این است که یا سیاسی است یا مذهبی یا پیام اجتماعی دارد؛ مردم در وهله‌ی اول تحت تأثیر نمادهای موسیقایی قرار نمی‌گیرند. پاپولر میوزیک، به عنوان چیزی جدا از احساسات مردم، وقتی قابل تشخیص است که مردم آهنگی را، صدایی را یا قطعه‌ای موسیقی را به تمامی، بدون تأکید بر صفات غیر موسیقایی آن، دوست بدارند و سعی کنند بین خودشان و سازماندهی ریتم‌ها، نغمه‌ها و رنگ‌های صوتی‌ای که دریافت می‌کنند، ارتباط برقرار کنند.»

۱. سُبک‌تر، کم‌وزن‌تر، خفیف‌تر

۲. پیدایش موسیقی مردم‌پسند در ایران، ۱۹

۳. همان کتاب، ۸۷

پیش‌گفتار | ۱۵

در این معنا، موسیقی پاپولر یک مقوله‌ی ارزشی است که می‌تواند به همه‌ی سبک‌های موسیقی اطلاق شود: این موسیقی‌ای است که مردم عموماً دوست دارند و آن را تحسین می‌کنند و شامل باخ، بتهوون، بیتلز، راوی شانکار، مارش‌های سوزا، و «آهنگ‌های لاندن دری» می‌شود و به دور از آن که انحرافی یا حمایت شده باشند، به طور مثبت، موسیقی‌ای را توصیف می‌کند که در هدف پایه‌ای خود که ارتباط‌گیری به عنوان موسیقی است موفق شده است. موسیقی‌ای که بیش‌تر مردم، بیش‌ترین ارزش را به آن می‌دهند، موسیقی پاپولر است؛ اما این که این چه موسیقی‌ای است؟ بستگی به طبقه‌ی اجتماعی و تجربه‌ی آهنگ‌سازان، اجراکنندگان و شنوندگان دارد.^۱

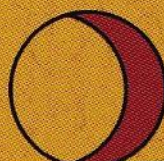
از این منظر و طبق این تعریف، نه تنها برنامه‌ی گلها که بسیاری از آثار یا کلام موسیقی ایرانی، پاپ به شمار می‌آید. این که آثاری را مردم پسندیدیم، لزوماً به معنای بی‌ارزش یا کم‌ارزش نامیدن آن‌ها نیست کما این که همه‌ی کوشش کارورزان برنامه‌ی گلها، جذب مخاطب و محبوبیت میان مردم بوده است. این که «آثار تولیدی در این برنامه، به لحاظ هنری چه جایگاهی دارند؟» مبحثی جداگانه است.

برای نمونه به نظرم خواننده‌ای مانند محمدرضا شجریان، به مراتب مردم‌پسندتر (= پاپولارتر) از فرهاد مهراد است. با این که هر کدام از این دو جایگاهی ویژه در موسیقی ایران دارند ولی مقبولیت عام آثار شجریان، شاهدی است بر این مدعا و این که آثار فرهاد هرگز این سان محبوب نبوده است و با توجه به ذائقه‌ی ایرانی، عام‌پسندانه‌گی کم‌تری نسبت به آثار شجریان دارد.

با این اوصاف و تعاریف، جریان‌های مختلف ترانه‌سازی در ایران را دسته‌بندی و سبک‌شناسی کرده‌ام. کوششی که در نوع خود نخستین است و بسیار بیش از این یک کتاب جای پژوهش و بررسی دارد.

۱. پیدایش موسیقی مردم‌پسند در ایران، ۸۵

این کتاب پژوهشی ست مفصل در شناسایی و دسته‌بندی جریان‌های موسیقی مردم‌پسند ایران، از آغاز ضبط صفحه در سال ۱۲۸۴ تا به امروز در این کتاب به تاریخچه و مختصات فرهنگی و موسیقایی بیش از بیست جریان پرداخته شده و حدود ۵۰۰ ترانه به‌عنوان نمونه معرفی و بررسی شده است: تصنیف‌های قاجاری، ترانه‌های تخت‌حوضی، ترانه‌های فیلم فارسی، جازدهه‌ی سی و چهل، موسیقی کوچه‌بازاری، مجموعه برنامه‌ی گلها، پاپ ایرانی، بیت‌بندها، پاپ نوین دهه‌ی پنجاه، ترانه‌های انقلابی، جریان حفظ و اشاعه، موسیقی لس‌آنجلسی، پاپ گل و بلبل، راک فارسی، رپ فارسی، ترانه‌های نسل نو و...



جریان شناسی موسیقی مردم

پسند ایران



انتشارات بارت
۲۰۰,۰۰۰ ریال

۶۶۴۰۵۶۲۷

پتهوون
مرکز موسیقی پتهوون شیراز